



۲۰۱۹/۱۰/۳۱

عارف عباسی

چقدر سخت است خدایا که فریاد بر آری و کسی گوش ندهد.



دردناک ترین و رنج آور ترین حالت روانی یک فرد، یک خانواده، یک قبیله، یک قوم و یا یک ملت زمانی است که گلو پاره کند و فریاد حق برآرد ولی گوش شنوایی نباشد و مرجعی به آن وقعی قائل نشود. ما که بنا بر حکم مسؤولیت و رسالت ملی هر روز به نحوی داد مردم را منعکس می سازیم در آتش بی پروایی و نبود داد رسی می سوزیم و این رنج کشنده را متحمل می شویم.

دو روز قبل از یک منبع اطلاعاتی داخلی، افغان آنلاین پرس، از قول ITV خواندم که نمایندگان امریکا، چین، روسیه و پاکستان در ماسکو برای بحث پیرامون صلح افغانستان و یا ایجاد صلح در افغانستان جلسه داشتند. عجب آمد که موضوع بحث صلح در افغانستان است، کشوری که تا هنوز در جغرافیای سیاسی جهان یک توتته جای را گرفته و نامش نوشته شده، در حدود ۳۶ میلیون نفوس داشته و عضو سازمان ملل متحد است. از سال ۱۹۷۸ تا امروز در حوادث گوناگون بیش از ۳ میلیون تبعه اش را از هر قوم و تبار زن و مرد و طفل از دست داده، چنان ویران شده و برباد گشته که نه زیر بنایی برایش به جا مانده و نه سر بنایی و نه نظم عنعنوی اجتماعی اش، وحدت ملی اش به نابودی رفته.

این قربانی و ویرانی وطن غریبی و مظلومی چون افغانستان خلاق دگرگونی های بزرگ سیاسی در جهان بود یک امپراتوری با تمام قدرت و هیبت و مکتب و فلسفه و مستعمراتش فرو پاشید و در دیوار ملل متحد جایی برای برافراشتن بیرق ممالک به آزادی رسیده نماند و امریکا به حیث قدرت یکه تاز وارد میدان شد، ولی چنان خدعه و تزویر، مکر، حيله و دسیسه بکار رفت که این دگرگونی ها در فهرست درایت، عقلانیت و فراست سیاسی امریکا و غرب شامل گردیده "ریگن" رئیس جمهور امریکا اعتبار فرو ریختن دیوار برلین را به خود بخشید.

این ملت با تمام قربانی ها، مصائب و بدبختی هایش که عامل اصلی این همه تغییرات جغرافیای سیاسی جهان بود توسط دسایس علنی در قید تسلط پاکستان در آورده شده و فرصت مداخله به ایران و هندوستان و روسیه داده شد که با پرداخت های معتنابه جنگهای داخلی را دامن زدند. در جهان قهرمانان آزادی خواه دیروزی Freedom Fighters به

حیث دزد، قاچاق بر، تروریست وحشی و گدا معرفی شد، و مصیبت و بدبختی اش در هلاکت، فلاکت و بریادی خلاصه نشده متدرجاً ملکیت و وطنش و حاکمیت ملی اش از نزدش به یغما برده شده متجاوزین خود و یا نوکران شان به سرنوشت این وطن بی باکانه بازی نموده از منافع ملی اصلاً اثری و عملی وجود نداشته و تا امروز ندارد. امریکا برای کشتن روحیات این ملت و خفه ساختن صدایش و شکستن کمر پر افتخار غرور ملی تمام اختیارات این وطن را توسط پول و نفوذ سیاسی خود به یک جمعیت معلوم الحال قاتل، خون آشام، مفسد مالی و اخلاقی و بدنام و رسوای جامعه سپرد و تطبیق کننده این سیاست عمدی یک دیپلمات افغان الاصل امریکایی به نام زلمی خلیل زاد است. اگر افغانستان مطرح بحث است و صلح، امنیت و مصونیت و تمامیت ارضی اش اهمیت منطقی و جهانی دارد پس خود افغانستان کجاست؟ صلح باید بین طرفین شامل جنگ ایجاد گردد یعنی طالب باشد و نماینده مردم افغانستان که حکومت آن است. چرا برای پاکستان مثل سال ۱۹۸۸، توافقنامه جینوا، نیابت از طالب و حکومت افغانستان به آن کشور سپرده شده چرا در این جلسه و جلسه آینده چین و سائر جلسات پاکستان شرکت می کند و از حکومت افغانستان دعوت نمی شود.

چرا بعد از فسخ مذاکرات صلح با طالبان توسط "ترمپ" سیاست امریکا در قبال صلح با طالبان در تاریکی قرار دارد؟ چرا خلیل زاد در هنگام مذاکرات وزارت خارجه پاکستان با طالبان اسلام آباد رفت؟ آیا امریکا، متحدین غربی، چین و روسیه افغانستان را به حیث یک مملکت مستقل و آزاد می شناسند و یا مستعمره امریکا؟

**** * * * * ****

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

چقدر سخت است که فریاد بر آری و کسی گوش ندهد

[A_abassi_tu_faryad_barari_o_kase_gosh_nakonad.pdf](https://www.abassi-tu-faryad-barari-o-kase-gosh-nakonad.pdf)